

روزنه

فرمانده کل ارتش:

پهپاد مهاجم در ماهشهر با سامانه مرصاد منهدم شد

● ایستنا: فرمانده کل ارتش و فرمانده قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیا(ص) درباره انهدام یک فروند پهپاد مهاجم در روز جمعه توسط نیروی پدافند هوایی ارتش در منطقه ماهشهر گفت: هنوز تا قطعات این پهپاد را کامل به دست نیاوریم و گراف‌هایمان را کامل نکنیم، نمی‌توانیم به‌طور قطعی مبدأ و هدف اصلی، این پهپاد را مشخص کنیم، اما آنچه تاکنون قطعی است این است که این پهپاد در سقف کوتاه پرواز کرده و مورد هدف سامانه بومی مرصاد قرار گرفته است.امیر عبدالحجیم موسوی با بیان اینکه پدافند هوایی وظیفه حفاظت از آسمان جمهوری اسلامی ایران را در برابر هر پرنده‌ای که احتمال تهدید در آن وجود داشته باشد دارد، افزود، بامداد روز جمعه پهپادی که سعی می‌کرد با پرواز در ارتفاع کم، خود را از دید سامانه‌های کشف مخفی کند، کشف شد و هدف قرار گرفت و طبیعی است هر متجاوز دیگری در هر ابعادی که باشد مورد اصابت قرار خواهد گرفت. آنچه مهم است این است که این پرنده با سطح مقطع راداری بسیار کم مورد رصد و انهدام قرار گرفت که این از جمله ویژگی‌های سامانه تمام‌بومی مرصاد است.او همچنین درباره تغییر ماهیت یگان‌های نیروی زمینی ارتش، گفت: تحرک و قابلیت انعطاف برای ورود به هر صحنه مقابله‌ای و هر نوع تهدیدی باید در نیروهای چهارگانه ارتش افزایش پیدا کند. چون نیروی زمینی ارتش، متکی به نیروی انسانی است، باید مهارت‌های آحاد رزمندگان نزاجا تقویت شود؛ آنچه هفته گذشته شاهد آن بودیم، اقداماتی بود که در راستای افزایش مهارت بود و آنچه امروز دیدیم، اقداماتی در راستای افزایش تحرک بود.امیر موسوی با اشاره به رونمایی از تانک بر کیان ۷۰۰ تأکید کرد: یگان‌های زرهی باید بتوانند به‌سرعت خود را جابه‌جا کنند و این تانک برهای کیان می‌توانند با سرعت و قدرت خوبی‌که دارند، تعداد بیشتری تانک و ادوات زرهی را نسبت به تانک‌برهای قبلی جابه‌جا کنند. این دستاوردها همگی بومی و کار نیروهای دانشمند داخل کشور اعم از ارتش، صنایع دفاع و شرکت‌های دانش‌بنیان است.

همچنین معاون هماهنگ‌کننده ارتش با تأکید بر اینکه آماده پاسخ به هر تهدیدی هستیم، گفت: دشمنان جرئت کوچک‌ترین تعرضی به منافع ما را ندارند و با وجود حضور در غرب و شرق کشور و جنوب و شمال خلیج فارس، نتوانستند کوچک‌ترین اقدامی علیه منافع کشورمان انجام دهند.

امیر دریادار حبیب‌الله سیاری در واکنش به اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا که به‌تازگی به‌طور مجدد احتمال استفاده گزینۀ نظامی علیه ملت ایران را مطرح کرده است، عنوان کرد: ما بارها گفته و اعلام کرده‌ایم و دشمن نیز به‌خوبی می‌داند که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و جهان یک نیروی مسلح مقتدر و آماده است و این اقتدار و توان بالای بازدارندگی به‌راحتی به دست نیامده و آماده پاسخ به هر تهدیدی هستیم. در کنار همتی که پای کار آمده و ملتی که از نیروهای مسلح با تمام وجود حمایت کرده‌اند و تجهیزات و تسلیحاتی که کاملاً بومی است، قطعانه اعلام موضع می‌کنیم و به‌همین‌دلیل دشمنان جرئت کوچک‌ترین تعرضی به منافع ما را ندارند. در غرب و شرق ما اقداماتی داشته‌اند و کشورهای جنوب خلیج فارس نیز کاملاً در اختیار آنهاست، اما نمی‌توانند کوچک‌ترین اقدامی علیه منافع ما انجام دهند.

شرق: نوزدهم آبان، شصت‌وپنجمین سالگرد شهادت دکتر حسین فاطمی، سردبیر

روزنامه باختر امروز و وزیر خارجه دولت ملی دکتر «محمد مصدق» است؛ همان فردی که محمد عبدخدایی از اعضای فداییان اسلام درباره‌اش گفته اگر به گذشته بازگرد، بازهم او را ترور می‌کند. فاطمی از ترور به دست جوان ۱۴ساله عضو جمعیت فداییان اسلام جان سالم به در برد اما به دست شاه کشته شد. بعد نبود اگر به دست شاه هم کشته نمی‌شد، فداییان اسلام دوباره قصد جانش را می‌کردند. عبدخدایی که هنوز در قید حیات است، می‌گوید بعد از ملی‌شدن صنعت نفت مرحوم نواب‌صفوی نظرش این بود که بین جبهه ملی و دربار توافق شده است و اعضای جمعیت هم معتقد بودند رابط این توافق فاطمی است که حالا هم قصد جان نواب‌صفوی را کرده است. پس به این نتیجه می‌رسند که نباید اجازه داد کسی قصد جان رهبر فداییان را بکند!.. جالب است که بعد از گذشت ۶۰ سال بازماندگان جمعیت فداییان و حتی خود عبدخدایی هیچ سند روشنی و محکمه‌پسندی برای این ادعای خود ندارند! فاطمی شخصیتی چندوجهی داشت. روزنامه‌نویس بود و برخی او را یکی از شجاع‌ترین روزنامه‌نگاران ایرانی می‌دانند. اگرچه روزنامه‌نویسی برای او دروازه ورود به دنیای سیاست عملی شد. با نزدیک‌شدن به انتخابات دوره شانزدهم و امکان تقلب در انتخابات در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۲۸ تعدادی از روزنامه‌نگاران مخالف دولت و شماری از سران حزب ایران به رهبری مصدق در دربار متخصن شدند. هر چند این تحصن به سرانجامی نرسید ولی اساس تأسیس جبهه ملی را فراهم کرد و روزنامه باختر امروز تبدیل به محلی برای درج افکار و عقاید این طیف سیاسی شد. جبهه ملی با تشکیل مجلس شانزدهم تعدادی از نمایندگان خود را وارد مجلس کرد و دکتر فاطمی توانست به‌عنوان نماینده مردم راهی پارلمان شود. این چنین بود که ملی‌شدن صنعت نفت در اولویت مجلس قرار گرفت. مصدق سال‌ها بعد اعلام کرد اولین کسی که این پیشنهاد را در منزل آقای نریمان مطرح کرد، دکتر فاطمی بود که نمایندگان جبهه حاضر در جلسه به اتفاق آرا تصویب کردند.

فاطمی در نخستین سرمقاله‌اش در باختر امروز، نوشت: «دکتر مصدق پیشوای بزرگ ملی ایران، کسی است که نیم قرن تمام، در راه منافع مردم محروم این مملکت، مبارزه کرده است». روزنامه باختر امروز همچنین تنها روزنامه‌ای بود که توانست نسخه روز سه‌شنبه ۳۱ تیرماه را روی کیوسک بفروست. این روزنامه در صفحه اول خود که بخشی از هزینه فروشش را به خانواده شهدا اختصاص داده بود، از کشته‌شدن ۹۰ نفر در تهران و شهرهای دیگر خبر داد. در این گزارش که همراه با عکس‌هایی از پیکرهای شهدا بود، آمده: «در واقعه دیروز بیش از ۹۰ نفر از جوانان وطن‌پرست تهران بر اثر استعمال اسلحه از طرف پلیس و ارتش شهید شدند که تاکنون جنازه ۴۵ نفر آنها به دست آمده است». نوشته‌های تندتیز و بی‌پروای فاطمی علیه سلطنت و اشراف، خواهر شاه هم شهره بود. حسین فاطمی روز ۲۶ مرداد ۱۳۳۲، در گرمارگ کودتا و وقتی هنوز سرنوشت کشور روشن نبود، هرچه دلش خواست به محمدرضاشاه نمی‌گفت و در وصف شاه مملکت تیتز نمی‌زد: «خانی که می‌خواست وطن را به خاک و خون بکشد، فرار کرد». او با مقایسهٔ عملیات افسران آزاد مصر با عملیات خنثی‌سازی کودتا، خوان‌پایان ۱۲ سال حکومت سلطه شد و اشتیاق خود را برای اعلام جمهوری نشان داد. برخی معتقدند آنچه او را به کشتن داد، نه مبارزاتش در کنار مصدق بلکه کینه‌ای بود که سلطنت بابت نوشته‌هایش از او گرفته بود.

سیاست

۶۵ سال بعد از اعدام فاطمی

وزیر خارجه‌ای که قربانی نوشته‌هایش شد



روایت دستگیری واعدام

فاطمی بعد از کودتای ۲۸ مرداد مخفی شد. چندباری خانه عوض کرد، مخفی‌بودن او نزدیک هفت‌ماهی به درازا کشید تا اینکه صبح روز ۲۲ اسفند بازهم شایعه دستگیری او دهان‌به‌دهان چرخید. همه در کنجکاری درستی و نادرستی خبر بودند که فرمانداری نظامی اطلاعاتیه‌ای منتشر کرد که حکایت از تأیید دستگیری داشت: «بدین‌وسيله به اطلاع عموم می‌رسد که دکتر حسین فاطمی ساعت ۹ صبح امروز به‌وسيله سرکار سروان حبیب‌الله جلیلووند، افسر اداره انتظامی شهربانی و مأمورین فرمانداری نظامی پس از تجسس‌ات طولانی در یکی از کوچه‌باغ‌های تجریش دستگیر و تحویل فرماندار نظامی گردید.» «تیمور بختیار»، فرماندار نظامی و رئیس شهربانی سپهبد «علی مقدم» با یک توافق، نقشه ازبین‌بردن او را به دست اوباش کشیدند، «شعبان جعفری» و وعده‌ای از اوباش حرفه‌ای به جلوی شهربانی فراخوانده می‌شوند. خواهرش «سلطنت فاطمی»، خود را جلوی شهربانی می‌رساند، برادرش را دست‌بندزده جلوی پلکان شهربانی، ایستاده می‌بیند که شعبان جعفری به توجه‌هایش می‌گوید: «بکشیدش، بکشیدش». به ضرب چاقو و چماق او را مضروب می‌کنند که جان سالم به در نبرد. خواهرش هم خود را روی برادرش می‌اندازد: و ۱۰ ضربه به خواهر و شش ضربه به دکتر فاطمی وارد می‌شود. خود شعبان سال‌ها بعد در جواب سؤالی که از او درباره آن ماجرا شد، ضرب‌وشتم فاطمی را تأیید اما چاقوزدن را انکار کرد: «دم شهربانی زدمش، چاقو نزدم. بیخود می‌گن چاقو زده…». حال سیدحسین فاطمی در اثر آن حمله

چرا نباید از تحولات عراق نگران بود؟

از تبعات واکنش‌های احتمالی مردم عراق، در مواجهه با اعتراضات اخیر دچار سردرگمی تحلیلی شده است زیرا در صورت اثبات چنین وضعیتی با حتی تصور چنین ذهنیتی در مردم عراق، جهت‌گیری اعتراضات به‌سوی حامی خارجی دولت ناکارآمد و فاسد خواهد بود؛ کمالینکه چنین جهت‌گیری‌هایی در دولت‌های اولیه پس از اشغال که تاحدی مورد حمایت ترکیه و عربستان بودند، مشاهده شد. ۲- تحلیل دیگر این است که در دوران اخیر، عراق مشکل‌سازترین همسایه ایران بوده و ثبات در عراق همواره به معنی ایجاد مزاحمت برای همه همسایگان از جمله ایران بوده است، بنابراین نباید به ثبات در عراق کمک کرد و با توجه به جامعه‌شناسی مردم عراق و اختلافات تاریخی طوایف مختلف در این کشور باید این کشور را به حال خود رها کرد تا هرج‌ومرج همیشگی بر این کشور حاکم باشد و به این ترتیب از شر همسایه همیشهمزاحم راحت شد و در امان ماند. در این تحلیل با داخلی محسوب‌کردن تحولات عراق، بی‌طرفی کامل و بی‌توجهی به آن تحولات توصیه می‌شود.کاستی این تحلیل در آن است که روابط در کشور همسایه را فقط به سطح دولت‌ها تقلیل می‌دهد. در حالی که از واقعیات دنیای مدرن و درهم‌تنیدگی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دو جامعه غفلت می‌کند. ظهور داعش در عراق و قبل از آن جریان زرغواوی و احتمال تسری ناامنی به مرزها و حتی داخل ایران نشان می‌دهد

وخیم شد و کارش به بیمارستان کشید. روزنامه‌های وقت تا چند روز از حال و روز نزار او خبرهای متعددی منتشر کردند. سرانجام دکتر فاطمی تحت بازجویی‌های پی‌درپی قرار می‌گیرد، به‌طوری‌که او را برای دادگاه هم با برانکارد، داخل سالن می‌آورند. دکتر فاطمی در زندان در دست‌نوشته‌ای روی پاکت سیگار به آیت‌الله «سیدرضا زنجانی» که او هم در زندان بود، نوشت: «...آرزو دارم که نفس‌های آخر زندگی‌ام نیز در راه نهضت و سعادت هم‌وطنانم صرف شود، به‌هرحال داغ باطله بر کنسرسیوم و حامیان او بنزیم، بر فرض که نگذارند به اطلاع هم‌میهنان برسد و صدای ما را خفه کنند، در تاریخ و در پرونده‌ها باقی خواهد ماند تا نسل آینده برای زیستی شرافتمندانه و نیل به آزادی، ادامه‌دهنده این راه باشند». سرانجام بامداد چهارشنبه نوزدهم آبان ۱۳۳۳ در ساعت چهار و هفت دقیقه، تیمور بختیار و «آرموده» دادستان ارتش، حکم اعدام دکتر فاطمی را به او ابلاغ کردند. آرموده که لقب «وشمن» گرفته بود، گفت: «اگر وصیتی دارید بفرمایید…»، فاطمی سخنان او را قطع کرد و گفت: «آری آقای آرموده، مرگ حق است و من از مرگ ابایی ندارم، آن هم چنین مرگ پرافتخاری و من می‌میرم که نسل جوانان ایران از مرگ من عبرتی گرفته و با خون از وطنشان دفاع کرده و نگذارند جاسوسان بیگانه بر این کشور حکومت نمایند، من درهای سفارت انگلستان را بستم، غافل از اینکه تا عوامل بیگانه حکومت می‌کنند، انگلستان سفارت لازم ندارد». آرموده باز تکرار می‌کند که اگر خواسته‌ای دارید، بگویید. فاطمی می‌گوید: خواسته‌های من، دیدن خانواده، ملاقات با دکتر مصدق و صحبتی با افسران است. آرموده هم می‌گوید: هنوز هم دست از این مرد (مصدق) برنمی‌داری؟ و سرانجام فاطمی در برابر جوخه اعدام، گفت: آقای آرموده، مرگ بر دو قسم است، مرگ در رختخواب ناز و مرگ در راه شرف و افتخار. خدای را شکر که در راه مبارزه با فساد، شهید می‌شوم… امیدوارم سربازان نهضت، همچنان مبارزه را ادامه دهند. هشت گلوله از اسلحه چهار مأمور شلیک شد. «زنده‌باد مصدق» آخرین کلامش شد و جان باخت. می‌گویند وقتی می‌خواستند او را برای اجرای حکم ببرند، تقاضای سیگاری کرد و به قول خبرنگران، آن را با حالت خاصی گوشه لبش گذاشت تا روحیه و قوت قلبش را نشان دهد. خبرنگار روزنامه کیهان در گزارش خود از چند و چون اعدام، به پیغامی اشاره کرده که دادستان ارتش روز پیش از اعدام برای خانواده فاطمی می‌فرستد تا اگر مایل بودند ملاقاتی با او داشته باشند؛ ملاقاتی که براساس اطلاعات این خبرنگار هرگز عملی نشد. دکتر فاطمی پیش از مرگش دکتر محمد مصدق را وصی و قیم فرزندش کرد و پس از او نیز مسئولیت‌ها را به یکی از برادرانش سپرد. نصرالله سیفپور فاطمی، یکی از برادرانش که در آمریکا بود، بعد از شنیدن خبر اعدام دچار سخته شد. به‌ویژه که او برای جلوگیری از اعدام، به این در و آن در زده و نتیجه‌ای به دست نیاورده بود. حتی به نوشته کیهان در جریان همان تلاش‌ها تلگرافی هم به محمدرضاشاه زده بود تا برای لغو حکم اعدام از نفوذش بهره ببرد! البته دیگر نزدیکان فاطمی نیز فعالیت‌های شدیدی برای جلوگیری از اعدام او داشتند که البته هیچ‌کدام ثمری به‌دنبال نداشت و حکومت عزمی جزم برای اعدام او داشت. مزارش در «این‌بویه» تهران قرار دارد و بر سنگش این شعر نوشته شده است: بر سر تربت ما چون گذری همت خواه/ که زیارتک رندان جهان خواهد بود.

را خواهد داشت. خلاصه آنکه آینده عراق بدون یک همکار۱ منطقه‌ای مبتنی بر تفاهم به نفع هیچ‌کس نخواهد بود جز اسرئیل که در واقع برنده همیشگی هر نوع بی‌ثباتی در منطقه است. **(داسطح‌بین‌المللی:** بازنگران عمده بین‌المللی (ایالات متحده، روسیه، چین و اروپا) نیز هر یک برای خود در عراق منافع۲ی در نظر گرفته‌اند. ایالات متحده به دلیل نقش انحصاری در سقوط صدام حسین برای خود منافع انحصاری تعریف کرده است و در شرایط عادی حاضر به پذیرش شریک در این منافع نیست. روسیه به عنوان کشوری که متحد خود (صدام حسین) را از دست داده، همچنان دنبال ادامه حضور گذشته خود در آینده عراق است. اروپایی‌ها که در جنگ با آمریکا ائتلاف نکردند، در پی یافتن راهی برای حضور در عراق هستند و چین صنایع نفت و زیرساخت‌ها را هدف قرار داده است. هر یک از این بازیگران به تنهایی یا از طریق بازیگری منطقه‌ای در پی نفوذ هستند. طبیعی است که هر یک از بازیگران فوق نیز در تحولات اخیر عراق نقشی داشته و به گونه‌ای قصد بهره‌برداری از اعتراضات اخیر را داشته باشد. به عنوان مثال باید به خاطر بیاوریم که هنگام طرح مسئله رفارندوم در کردستان عراق روس‌ها تنها قدرتی بودند که به تجزیه آن کشور مخالفت نکردند و سعی کردند از کنار آن بگذرند. اکنون نیز این بازیگران بین‌المللی به راحتی اجازه نخواهند داد کشور بااهیتی مانند عراق به‌طور کامل تحت نفوذ و سیطره ایران قرار گیرد. هرگونه توجه ما به آینده عراق باید ملاحظات قدرت‌های بزرگ را نیز در نظر داشته باشد.دولت آقای روحانی در شش سال گذشته نشان داد که در دیپلماسی منطقه‌ای موفق نبوده و دلیل آن هم بی‌توجهی به اهمیت آن بوده است. در ماه‌های اخیر انتکارهای دولت آقای روحانی در پیشنهاد صلح هرمز و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای نودیبخش آن است که بتوان در منطقه به جای تنش، جدال و تخریب منافع دیکدیکر به سوی مذاکره، همکاری و تأمین منافع مشترک گام برداشت. این مذاکره و گفت‌وگو باید به‌طور جدی شامل آینده عراق نیز بشود تا بتوان از آن برای ثبات منطقه‌ای و ثبات آینده آن کشور بااهیتی مانند عراق بهره‌برداری کرد.همان‌طور که آن است که عراق را نباید به حال خود واگذاشت، نباید از کسانی که هزار میلیارد دلار درآمد نفتی عراق را به هدر داده‌اند دفاع کرد، نباید با جوشش اعتراضی درونی مردم عراق مخالفت کرد یا در مقابل آن ایستاد، نباید منافع خود را به تنهایی در نظر گرفت و منافع دیگر بازیگران را بوج انگاشت، نباید فساد و ناکارآمدی دموکراتان عراق را نادیده گرفت و بالاخره اینکه ثبات در عراق محصول همکاری مشترک منطقه‌ای خواهد بود یا درنظرگرفتن خواست مردم عراق برای بهره‌بردن از منابع عظیم ثروت خود. آنچه در مورد خواست مردم عراق می‌توان گفت آن است که «می‌دانند چه نمی‌خواهند» اما سردرگم هستند در مورد «آنچه می‌خواهند»! کمک کنیم تا آنچه را بخواهند که نفع مشترک آنان و ما است.

آینه

نیز بخوانید

۳ حلقه ناوگان جدید پولی

● شواهد نشان می‌دهد بانک مرکزی در حال تکمیل ناوگان مدیریت سیاست پولی است؛ ناوگانی که اگر به‌درستی مستقر شود، می‌تواند فضای سیاست‌گذاری پولی را به «بازارهای مدرن» مسلح کند. در ناوگان قدیم، متولی پولی هدف «ثبات قیمت‌ها» را با استفاده از کنترل نقدینگی و پایه پولی محقق می‌ساخت؛ اما در ناوگان جدید سیاست‌گذار در قالب «عملیات بازار باز» به مدیریت قیمت پول (نرخ بهره) می‌پردازد. این عملیات مدرن اگرچه سال‌هاست در زمین بازی سیاست پولی عمده کشورهای دنیا نقش مؤثر و هدایت‌کننده می‌آفریند، اما سیاست‌های ایرانی تاکنون از آن غافل مانده بود. در مجموع «عملیات بازار باز» در مقایسه با سایر ال‌ترین‌یا‌توها چهار مزیت اساسی از جمله «تقویت بازارمحوری»، «تشکیل‌کریدور نرخ بهره»، «تقویت ابتکار عمل بانک مرکزی» و «تسهیل مدیریت ذخایر بانک مرکزی» را دارد. البته استفاده از این مزیت‌ها به‌راحتی امکان‌پذیر نیست. سیاست‌گذار باید ملاحظات و پیش‌نیازهای مهمی را برای بهره‌برداری مؤثر از عملیات بازار باز رعایت کند. سیاست‌گذاری پولی نیاز به سه ملاحظه اساسی از جمله «استقلال بانک مرکزی»، «انعطاف‌پذیری در ساختار اقتصاد کلان» و «وجود بازار مالی توسعه‌یافته» دارد. در حیطه استقلال متولی پولی، نهن‌تها این استقلال باید در سطح کلان محقق شود، بلکه بانک‌ها و بازیگران خرد نیز باید در تصمیمات خود استقلال نسبی داشته باشند… در شرایط فعلی اقتصاد ایران. از یک سمت، در شرایط فعلی، بازارهای مازوی بازار پول، به‌دلیل حضور عدم قطعیت‌ها به ثبات میان‌مدت نرسیده‌اند و آمادگی تحریک قیمتی دارند و از طرف دیگر، به‌دلیل محدودیت‌های فروش نفت، دولت در سمت درآمدها به تنگنا رسیده و می‌تواند از عملیات بازار باز به‌عنوان ابزاری برای پوشش مخارج غیرمعمول خود استفاده کند. اجرای عملیات بازار باز یک ضرورت است و باید تمام الزامات اجرای موفقیت‌آمیز آن را به‌سرعت فراهم کرد.

عادت به عزت

● **مسعودپیرهادی:** ۲۱ سال پیش، وقتی بعد از ۲۰ سال ناگامی، تیم ملی فوتبال ما به مسابقات جام جهانی راه پیدا کرد، مردم در تهران و شهرستان‌ها، به خیابان‌ها آمدند و جشن گرفتند. اتفاقی که سه مرتبه بعد از آن هم تکرار شد و چون برای عموم مردم عادی شده بود، شور و هیاهوی چندانی به پا نکرد. گویی مردم با توجه به پیشرفت فوتبال کشورشان، طبیعی می‌دیدند و انتظاری هم جز این نداشتند که تیم ملی فوتبال به جام جهانی صعود کند و اگر غیر از این می‌شد، گلایه می‌کردند. حالا این قضیه نیروهای مسلح ما در برابر متجاوزان است، پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی، یک پهپاد متجاوز را در استان خوزستان سرنگون کرده است. وزارت دفاع آمریکا، مسئولیت این تجاوز هوایی را پذیرفته اما به گزارش روتترز، رژیم صهیونیستی از اظهار نظر دراین‌باره خودداری کرده است. آن‌طورکه مسئولان اعلام کرده‌اند، پهپاد متجاوز، پیش از رسیدن به نقاط حساس، منهدم شده و حالا لاشه‌اش در نزارهای اطراف بندر ماهشهر افتاده است. این‌خبر، پس از سقوط پهپاد آمریکایی-RQ۱۷، سرنگونی پهپاد آمریکایی فوق پیشرفته گل‌ویل‌هاک و توقیف‌نفت‌کش انگلیسی، اصلا به چشم نیامد و بسیار طبیعی جلوه کرد. هرکدام از ما هم که این خبر را شنیده باشیم، با خود گفت‌ایم خب طبیعی است، هر دست متجاوزی فورا باید قطع شود.

ایران

از ۱۳ آبان تا تولد قانون اساسی در سامانه انتخابات ورفراندوم «همه‌باهم»

● **علی ربیعی:** یک ویژگی بسیار مهم انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی پیوندی است که او از همان ابتدای شکل‌گیری نهضت میان قانون و انقلاب برقرار کرد. درحالی‌که تا آن زمان وضعیتی استثنائی انقلابی همواره در تقابل با امر حکومتی و قانونی تلقی می‌شد، امام خمینی با برافراشتن پرچم «حکومت قانونی» در مقابل «حکومت غیرقانونی» شاه آن تقابل را به سود قانون و به سود حقوق ملت در تأسیس نهادهای دموکراتیک رفع کرد. بر این اساس امام خمینی شور انقلابی ملت را در همان نخستین روزهای پیروزی انقلاب خرج فرارندوم جمهوری اسلامی کرد و شور انقلابی در مقطع ۱۳ آبان ۵۸ را به فاصله‌ای کمتر از یک ماه به مصرف رفارندوم قانون اساسی در ۱۲ آذر ۵۸ رساند. داریوش همایون، از مقامات نظریه‌پرداز رژیم شاه، در خاطرات خود می‌گوید درحالی‌که عملیات براندازانه گروه‌های معارض در ایام قبل از ۱۳ آبان می‌کرد، همه آن سرنگونی قریب‌الوقوع را ترسیم می‌کرد، همه آن گروه‌ها در لحظه ۱۳ آبان به یک اجماع شگفت‌آور در حمایت از نظام انقلابی می‌رسند و به این ترتیب: «تنها فرصت واقعی برای برانداختن رژیم (امام) خمینی بعد از تظاهرات مسنانه چپ‌گرایان در پی دیوارهای سفارت آمریکا و اشغال آن بود که به هدر رفت…». اما آنچه که داریوش همایون نمی‌توانست ببیند شیوه تبدیل شور انقلابی به شور انتخاباتی بود. یعنی ندیدن این واقعیت که آن جنبش «مستانه» به‌سرعت تمام و در فاصله یک ماه تبدیل به ادب دموکراتیک می‌شود و طیف متنوعی از جریان‌ها چپ و ملی و دموکرات را در کنار توده ملت به پای صندوق‌های رفارندوم قانون اساسی ۱۳ آذر می‌کشاند.